



مدینه الهی دغدغه تزکیه و تهذیب دارد/ ویژگیهای شهر خدا چیست

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی با آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی گفت: دغدغه مدینه آسمانی دردآگاهی است، مدینه آسمانی از جهالت خالی است و درد تزکیه و تهذیب دارد...

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی با آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی گفت: دغدغه مدینه آسمانی دردآگاهی است، مدینه آسمانی از جهالت خالی است و درد تزکیه و تهذیب دارد و نفس افراد جامعه از شائبه های دنیوی خالی می شود، چنین جامعه ای به کمال می رسد و مردان خدا بوجود می آیند.

دکتر علی محمد صابری، استاد گروه فلسفه دانشگاه فرهنگیان در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه چرا با وجود تلاش و هشدارهای مستمر، برخی مسائل و ناهنجاریهای اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد و تخلفات و تصادفات رانندگی همچنان در جامعه ما روند افزایشی دارند. چرا در مدیریت و کنترل این مسائل موفق نبوده ایم، گفت: مسائلی چون اعتیاد و طلاق علت فروپاشی جامعه نیستند بلکه معلول فروپاشی آن هستند. با سیاستهای کنترلی هم این مشکلات برداشته نمی شوند و از بین نخواهند رفت. سیاست کنترلی یکی از سه قدمی است که در این خصوص باید برداریم.

وی افزود: پس از سیاستهای کنترلی که چوب قانون بر سر تخلف کنندگان قرار می گیرد و عامل بازدارنده موقتی و مسکن قلمداد می شود قدم دوم فرهنگسازی است، یعنی تا فرهنگ زندگی خانوادگی و اجتماعی را در جامعه پی ریزی نکنیم به طور قطع موفق نخواهیم شد. حتی اگر به فرض تمام قوانین را هم در اختیار داشته باشیم اما کسی که معتاد است را نمی توانید از ماده مخدر جدا کنید یا فردی که نمی تواند زندگی جمعی کند باید پیش مشاوران و روانکاو برود و اصلاً وی تربیت نشده است. افلاطون کسانی که تربیت نشده بودند به آکادمی خود راه نمی داد.

صابری اظهارداشت: در فرهنگسازی باید از نیروی اخلاق استفاده کنیم. یعنی سعی کنیم یک جامعه اخلاقی بنا کنیم. متأسفانه جامعه ما سیاست زده و عوام زده است که باعث عقب ماندگی اش شده است. به دلیل اینکه فقط به دنبال رفع نیازهای جسمانی و مادی افراد است دنبال غذا دادن معنوی به افراد نیست. اگر خانواده ای تحت تربیت قرار نگیرد و از هنرها، از ادبیات این مملکت و از گفتگوهای دینی، علمی، فلسفی و تضارب آراء بهره ای نبرد اگر در محیط های آموزش و پرورش تربیت نیبند مطمئناً این خانواده هر چقدر که هم امکانات مادی داشته باشد در آینده دچار مشکل خواهد شد. چنین است که از استفاده از لایه های فرهنگی در جامعه ایرانی غافل هستیم زیرا لایه های فرهنگی را اصلاً نشناخته ایم. لایه های فرهنگی ای مثل هنر، روانشناسی، عرفان، فلسفه و تفکر عقلی، تمام اینها باید به کمک خانواده بیایند. کشورهای پیشرفته چرا اینقدر به وظایف قانونی خود عمل می کنند چوب قانون که ما هم داریم اما آنها از مالیات فرار نمی کنند اما ما فرار می کنیم و مسائل دیگر.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی تصریح کرد: چرا در کشورهای جهان سوم فقر و اعتیاد و فلاکت و بدبختی بیشتر است دلیلش این است که آنها از آموزش و پرورش خود شروع کردند ولی آموزش و پرورش ما فقط جایی برای درس خواندن است دانش آموز چند ساعت درس بخواند و بعد به خانه برود یک مشیت محفوظاتی که ممکن است به دردش هم نخورد تحویلش می دهیم. درحالیکه باید کودکان حتی قبل از آموزش های رسمی در خانواده ها تمام تجربیات زندگی آینده را ببینند. کسی بچه طلاق است یا پدر و مادر او یا یکی از آندو معتاد است سریعاً باید آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی دست به کار شوند و با خانواده اش ارتباط برقرار کنند. خیلی از رنج ها که در خانه شناسایی شود در بیرون هم حل می شود و از بین می رود.

وی تأکید کرد: قدم سوم بعد از کنترل و فرهنگسازی تمدن سازی با فکر است. امروزه تمدن را زندگی پر زرق و برق شهری می شناسیم اما منظور من بر عکس این است. زیرا این خودش یک آفت است یعنی به جای مدینه زمینی که نیازهای کاذب و مادی شهروندان را بر طرف می کند باید به دنبال یک مدینه آسمانی یا به قول عرفا و فلاسفه اتو پیا باشیم. شهری که بیشتر اهداف بلندی دارد. یعنی تزکیه و تهذیب مد نظرش است و باطن پاک مطلوبش است. درد جامعه حرص و ولع داشتن به امکانات مادی نباید باشد و مثل سگ و گرگ به جان هم بیافتیم بلکه درد مدینه آسمانی دردآگاهی است. اینکه از جهالت خالی باشد درد تزکیه و تهذیب داشته باشد. نفس از شائبه های دنیوی خالی بشود. چنین جامعه ای به کمال می رسد. آنوقت مردان خدا و جانهای متحد بوجود می آیند. آنوقت اگر عضوی بیمار شد دیگر اعضا به کمکش می آیند. همیاری، همدلی، روحیه ایثار و فداکاری بالا می رود و دنبال ساختن یک مدینه آسمانی می رویم. این می شود تمدن سازی با فکر. از این بعد غافل هستیم و دنبال یک مدینه زمینی مثل جنگل حیوانات هستیم که انسانها گرگ و سگ و دیگر جانداران به ظاهر انسان می شوند. فرزندانمان در این مدینه زمینی قربانی می شوند.

این استاد دانشگاه فرهنگیان در مورد اینکه چقدر جامعه و چقدر شخصیت افراد در بروز این گونه ناهنجاری ها نقش دارند هم عنوان کرد: شخصیت ها اکنون دچار بی هویتی و چند هویتی شده است. یعنی افراد دچار نوعی ریا شدند متأسفانه این ریا کاری را در جامعه با برخوردمان با افراد ریا کار افزایش می دهیم. یعنی برای مثال خانمی که لباس رنگی پوشیده کمکش نمی

کنیم ولی خانمی که سیاه پوش است که در اسلام هم کراهت دارد به او کمک می کنیم این کار باعث می شود آدمها آن طوری که هستند دیگر نباشند. آنچنانی که وانمود می کنند باشند و این خیلی زشت است. باید در جامعه افراد خودشان باشند و صداقت و خلوص نیت را رواج دهیم. تا جامعه ما دچار بی هویتی یا چند هویتی نشود. برای مثال وقتی بی برنامه دانشجو می گیریم فرد می رود لیسانس یا فوق لیسانسی می گیرد پس از آن وارد بازار کار می شود اما امکان اشتغال و ازدواج برایش مهیا نیست از آنطرف می بیند که افرادی که باز نشسته شده اند در ادارات مشغول کارند این چنین به حکومت بدبین می شود و دچار بی هویتی یا چند هویتی می شود.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: جامعه و حکومت این چنین در بروز اینگونه مشکلات و آسیب های اجتماعی مسئول هستند. وقتی کارگزاران حکومتی به قشر عظیمی از جوانان بها نمی دهند آنوقت جوان که باید یک شخصیت واحد باشد و این مسئله در تربیت روحی و فردی او مد نظر باشد چنین چیزی رخ نمی دهد. باید یک رنسانس فرهنگی در جامعه به وجود آوریم. یعنی تمام اعضا و جوارح جامعه به کمک طلبیده شوند برای مثال وزارت اطلاعات که همانند اعصاب جامعه است باید با اطلاع رسانی درست نقاط ضعف و قوت جامعه را به کارگزاران حکومتی گوشزد کنند تا روسا با توجه به همین نقاط ضعف و قوت برنامه ریزی کنند. بعد از وزارت اطلاعات نهادها و وزارت خانه های دیگر هم مسئول هستند. اگر وزارت ارشاد نمی تواند به وظایف خود به نحو احسن عمل کند باید یک وزارت خانه جداگانه به عنوان تاریخ و هنر تأسیس کنیم این استاد دانشگاه فرهنگیان در مورد اینکه وظیفه و مسئولیت نهادهای آموزشی و تربیتی در آماده کردن افراد برای پذیرش مسئولیت اجتماعی مانند رعایت قانون، احترام به دیگران، احساس مسئولیت نسبت به جان و مال و وقت مردم تا چه حد است چرا کمتر در این مسائل موفق بوده اند هم اظهارداشت: من طرح یک مدارس پیش رونده اسلامی را به آموزش و پرورش داده ام. مدرسه ای که شعارش این است که مدرسه به عنوان محل زندگی و تربیت است که تربیت بر آموزش مقدم باشد. تربیت نباید در یک نمره انضباط 20 خلاصه شود بحث تربیت مثل آکادمی افلاطون است افلاطون کسانی که تربیت نشده بودند به آکادمی خود نمی پذیرفت. بعد از تربیت به آنها طبیعت شناسی و ریاضیات و الهیات و فلسفه تعلیم می داد. حتی اگر هوش بالایی داشتند اما تربیت نشده بودند آنها را نمی پذیرفت. متأسفانه ما فقط در آموزش و پرورشمان جانور با هوش درست می کنیم. باید انسان بسازیم نه جانور باهوش تحویل دهیم. یعنی حرفه انسان بودن را بیش از هر حرفه دیگر باید بیاموزانیم.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: باید دانش آموزان در این مدارس پیش رونده با قوانین حقوقی و تکالیف خود آشنا بشوند. اینکه می بینیم جوانی که به محض اینکه دیپلم گرفت وارد اجتماع شد کلاه سرش می رود زیرا با قوانین حقوقی و اقتصادی آشنا نیست او حتی با تکالیف خود و مسئولانش آشنا نیست. دموکراسی که یک واژه تربیتی و نه سیاسی است در این مدارس باید آموزش داده شوند. برنامه ریزی درستی بشود تا استعدادها و توانایی افراد در جای خودش به کار گرفته شود. اینکه افراد رشته غیر میل خود را در دانشگاه انتخاب می کنند و به کارهای بی ذوق و علاقه خودشان مشغول می شوند این یک درد است.

صابری اظهارداشت: در این مدارس پیش رونده باید پس از شناسایی استعدادها و شکوفایی آن بصیرت را هم به افراد نهادینه کنیم. بصیرت یعنی علم النظر و علم الجمال یعنی چشم و گوش دانش آموزان باز باشد تا پندها را کامل بگیرند. آموزش و پرورش باید محل پند آموزی باشد. باید چشم و گوش بچه ها باز باشد یک بصیرت شخصی و اخلاقی به آنها بدهند چیزی که شخصیت و هویت آنها را بسازد. متأسفانه ما از دادن این خوراکیهای فرهنگی به دانش آموزان غافلیم.